



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۳/۱۵

ضیاء نظام

افغانستان؛ کشور فقیر با وجود مساعدت های بی سابقه جهانی

پس از دایر شدن کنفرانس بن، سیل مساعدت های مالی جهانی به صورت بی سابقه در افغانستان سرازیر شد که اگر به جا و به شکل درست به مصرف می رسید، کشور را به زاویه یک صد و هشتاد درجه به سوی انکشاف و ارتقاء می کشانید، زیرا حجم و مقدار این مساعدت ها نهایت زیاد بود. چنانچه از سال ۲۰۰۲م به بعد بیشتر از ۱۴۰ بیلیون دالر به مقصد ایجاد و تقویت قوای امنیتی، بازسازی، حکومت داری خوب، مبارزه علیه مواد مخدر، فساد اداری و ظرفیت سازی در افغانستان به مصرف رسیده است که واقعاً یک رقم نهایت درشت، چشمگیر و بی پیشینه بوده و بالاتر از هر تصور و امکان پنداشته می شود. زیرا در هیچ یک از مقطع های زمانی به هیچ یک از کشورهای جهان به این پیمانانه کمک های اقتصادی و مساعدت های جهانی این طور سخاوتمندانه و با دست باز صورت نگرفته است. در حدود ۱۱۷ میلیارد دالر که ۴/۵ حصه آن را ایالات متحده امریکا پرداخته است.

این کمکها در حقیقت بیشتر از کمک های شامل پلان یا طرح مارشال بوده است. پلان یا طرح مارشال بعد از جنگ جهانی دوم اساساً به تاریخ ۵ جون ۱۹۴۷م جورج مارشال وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده امریکا ضمن بیانیه ای در پوهنتون هاروارد پیشنهاد نمود که هدف آن بازسازی و توسعه اروپای غربی بعد از خرابی های جنگ جهانی دوم بود. ایالات متحده امریکا از طریق ارائه کمک ها به کشورهای مزبور پایه نفوذ خود را مستحکم نمود و از سلطه و نفوذ کمونیزم نیز جلوگیری به عمل آورد. در آن زمان ایالات متحده امریکا ۱۲ بیلیون دالر که در حال حاضر به مقایسه ارزش فعلی دالر، معادل ۱۲۰ بیلیون دالر می گردد، به ۱۶ کشور به شمول جرمنی غربی مساعدت و کمک کرده بود که تمام کشورهای اروپایی غربی از آن مستفید گردیده و اقتصاد ویران خویش را پس از جنگ جهانی دوم، بازسازی نمودند. بایدگفت که آن وقت اکثریت شهرهای جرمنی به ویرانه و خرابه تبدیل شده و صنایع آن کشور به کلی از بین رفته بود. کشورهای دیگری که ازین طرح مستفید گردیدند، عبارت بودند از ایتالیا، فرانسه، انگلستان و ناروی و برخی کشورهای دیگری که نیز خسارات و خرابی های زیادی را متحمل شده بودند. خلاصه در آن زمان اروپا در تمام عرصه های حیاتی در وضعیت بسیار بدی قرار داشت و با تطبیق این پلان یا طرح مخصوصاً در عرصه بازسازی صنایع به خصوص در آلمان غربی، کمک به سزایی صورت گرفت و اقتصاد اروپا را در وضع خیلی ها خوبتر قرار داد.

اما متأسفانه کمک ها و مساعدت های سخاوتمندانه و بی سابقه جامعه جهانی به افغانستان نتیجه مورد نظر را بار نیاورد و حاصل مطلوب به دست نیامد. انتظار می رفت با تحقق این کمک ها افغانستان اقلاً به خود کفایی لازم نایل گردد و به

پای خود ایستاده شود، یعنی چیزی اتفاق نیفتاد و کشور هنوز هم حیثیت مریضی را دارد که به مراقبت جدی ضرورت داشته و هرگاه زرق دوا قطع گردد، فاجعه به بار می آورد.

در فهرست مرتبه سال ۲۰۱۵م پروگرام انکشافی ملل متحد UNDP متأسفانه در شاخص توسعه وی و رشد انسانی، افغانستان از جمله ۱۸۸ کشور بود که در فهرست مذکور در درجه یا مقام ۱۷۱ قرار دارد و به مقایسه سال قبل به درجه پایین تنزیل یافته است. گفتنیست که شاخص توسعه و رشد انسانی که بهترین نشان دهنده انکشاف و پیشرفت یک کشور می باشد، سه مورد عمده و اساسی را متضمن است.

۱- امید به زندگی یعنی موجودیت صحت و تندرستی افراد جامعه و امکانات دست داشته صحتی.

۲- چگونگی سطح و معیارهای تعلیمی و تربیتی یعنی معارف و امکانات ارتقای ظرفیت ها.

۳- معیار سطح زندگی یعنی اقتصاد و درآمد سالانه ملی.

طوریکه دیده می شود از هر سه نقطه نظر فوق، افغانستان در نازل ترین درجه واقع است. باید تذکر داد که افغانستان پس از سقوط حاکمیت طالبان - در حالت بسیار بدی قرار داشت. اینکه کمک ها قسماً توانسته است بهبودی در رشد تولید ناخالص ملی، کاهش فقر، تأمین صحت و سلامتی، گسترش و تقویت معارف و بازسازی زیرساخت ها داشته باشد، اما معیار و اندازه این انکشافات به تناسب سیلی از کمک های جهانی خیلی ها کند و در شمار نهایت ناچیز است.

هم اکنون بیشتر از شانزده سال از آغاز کمک ها و مساعدت های جهانی می گذرد اما در ساحه عمل پیشرفت ها خیلی ناچیز و بطنی است. چنانچه هنوز هم ۳۶ فیصد مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می کنند که بیشترین رقم را در بین کشورهای همسایه افغانستان تشکیل می دهد. باوجودی که افزایش قابل ملاحظه ای در احصائی شاگردان مکاتب و تحصیلات عالی به عمل آمده است، اما کیفیت درسی در سطح بسیار نازل قرار دارد. باوجود پیشرفت در ساحه صحت باز هم کشور در ارائه خدمات صحتی از سطح اوسط کشورهای رو به انکشاف پایین تر می باشد. به اساس گزارش سیگار (دفتر سرمفتش نظارت از امور بازسازی امریکا در افغانستان) در سال گذشته، افغان ها در حدود ۲۳۶ میلیون دالر یعنی یک بر دهم حصه مجموع عاید کشور را به قصد تداوی و معالجه در خارج از کشور به مصرف رسانیده اند.

در ساحه زراعت که هشتاد فیصد نفوس کشور به آن مصروف هستند، طی سال ۲۰۱۵م در تولیدات آن دو فیصد تنزیل به عمل آمده و چندان پیشرفت و امیدی محسوس نیست. متأسفانه زراعت در دهه اول آغاز این کمک های جهانی، در اجندای جامعه جهانی از اولویت برخوردار نبوده است.

همچنان از لحاظ صنایع می توان گفت که در افغانستان بدبختانه همین حال تقریباً صنعت وجود ندارد، از همین رو افغانستان به یک کشور وارداتی تبدیل گردیده و هنوز هم در جمله ممالک کمترین انکشاف یافته ردیف کشورهای رو به انکشاف می باشد. قابل یادآوری است که هیچ یک از کشورهای همسایه افغانستان در این ردیف قرار ندارد.

لازم بود از آغاز این مساعدت ها در پهلوی این همه امداد سیل اساء، با در نظر داشت ضرورت ها و اولویت های افغانستان در هماهنگی با هم توسط یک پلان و پروگرام منظم و یک مدیریت سالم، این کمک های بزرگ و گزاف درجه بندی و پلان تطبیقی آن طرح و بعداً تحقق می یافت تا از آن نتیجه ملموس حاصل می شد و اطمینان خاطر افغان ها حاصل و پشتیبانی شان به دست می آمد. البته چنین اقدامی در مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر نیز مؤثرتر واقع می گردید. اما این مساعدت ها خلاف توقع، از کانال ها و مجاری مختلف و اولویت های غیر ملموس و غیر ضروری در عمل پیاده شده و فعالیت ها در همه جهات به صورت پراکنده راه اندازی شده بود. مسوولیت این حالت و وضعیت، در درجه اول

متوجه حکومت افغانستان است، حکومت داری خوب و ظرفیت کاری وجود نداشته و حاکمیت قانون ضعیف بوده بر وفق گزارش ۲۰۱۶ پروژه عدالت جهانی WJP در مورد حاکمیت قانون افغانستان از جمله ۱۱۳ کشور به ردیف ۱۱۱ قرار دارد که کشورهای دیگر مثل مصر در مقام ۱۱۰، پاکستان ۱۰۶ و ترکیه در جایگاه ۹۹ قرار دارند. عدم کارایی حکومت، عدم ظرفیت، توانایی و نیرو و کادر مسلکی، فقدان کنترول و تفتیش واقعی، نبود امکانات و مجازات قانونی و عملی و غیره و غیره باعث کندی انکشاف اقتصادی گردیده است با تذکر ملاحظات فوق باید گفت انکشاف و پیشرفت که توقع می رفت، با تأسف صورت نگرفت.

علت اساسی این مشکلات را می توان در سیستم و مکانیزم ناهنجار کمک های بین المللی به کشورهای فقیر و پسمانده مخصوصاً افغانستان جستجو کرد. چنانچه این موضوع در گزارش های اداره سیگار SIGAR، سرمفتش خاص امریکا برای بازسازی افغانستان انعکاس یافته و طی آن از به هدر رفتن و ضایع شدن قسمت زیاد کمک های شگفت آور جامعه جهانی طی شانزده سال در افغانستان بازتاب یافته است. لازم به ذکر است که یکی از علل عمده که این کمک های هنگفت به نتیجه مطلوب واصل نشد، این است که مساعدت های یادشده از طریق قراردادی های غیر مسلکی و مؤسسات غیر دولتی یا انجوها و اکثراً غیر مسؤول از طرف کشورها و سازمان های کمک کننده و یا دونه ها بدون در نظر داشت شناخت مؤثریت اقتصادی و مفیدیت آن در افغانستان، به مصرف رسیده است. هرگاه این کمک ها و مساعدت ها با نظر داشت اولویت های بنیادین و عمده جامعه افغانی، ضرورت های اساسی اقتصادی و به هدف خودکفایی افغانستان صورت می گرفت، تغییرات و تحولات بزرگ در زندگی مردم افغانستان رونما می شد و افغانستان از این حالت بحرانی و وابسته گی که اگر این کمک های جهانی قطع شود، حالات غیر قابل پیشبینی را به وجود خواهد آورد، نجات می یافت، با خودکفایی سرپای خود می ایستاد.

طبق اظهارات سرمفتش اداره سیگار، عواید دولت یا درآمد داخلی، افغانستان دو بلیون دالر بوده، در حالیکه هشت بلیون دالر مصارف نظامی اردو، پولیس، معارف، زیربنا و دیگر مصارف افغانستان می باشند. یعنی هشتاد فیصد مصارف دولت افغانسان از طریق کمک های خارجی تمویل می گردد.

در آخرین گزارش دو صدو شصت و نه صفحه یی مؤرخ ماه جنوری ۲۰۱۷م اداره سیگار آمده است که ایالات متحده امریکا از آغاز سال ۲۰۰۲م تا اکنون بالغ بر ۱۱۷بلیون دالر در افغانستان به مصرف رسانیده است، اما نتیجه و حاصل آن در سطح نهایت نازل قرار دارد. این گزارش یک تصویر سیاه را از حالت فعلی کشور ارائه می نماید. در گزارش مذکور گفته شده که حکومت افغانستان قلمرو اندک بیشتر از مناصف کشور را در کنترول خود دارد و تولید مواد مخدر منجمله کشت کوکنار یا خشخاش به معیار روز افزون قوس صعودی خود را می پیماید. آمار و ارقام نیروهای امنیتی افغانستان رو به کاهش است.

البته مهم اینست که سیگار در مورد مساعدت های ایالات متحده امریکا و سایر کشورها به افغانستان پیوسته دونه ها را ملامت می کنند. در گزارش مزبور از یک پروژه بزرگ به ارزش ۹۹ میلیون دالر جهت اعمار و ساختمان یک هتل کلان در کابل تذکر داده شده و علاوه گردیده که بعد از دریافت هشتاد و پنج میلیون دالر از طریق مؤسسات خصوصی خارجی، ساختمان مورد نظر به صورت نیم کاره توسط قراردادی های امریکایی و افغان رها گردیده و پول متذکره نیز لادرک است.

در گزارش دیگر سال ۲۰۱۵م جان ساپکو سرمفتش خاص مؤسسه سیگار آمده است: وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا اعمار و ساختمان یک کمپ مجهز را در ولایت هلمند به مصرف ۳۳ میلیون دالر که هیچ وقت از آن استفاده صورت نگرفته و به اعمار آن هیچ ضرورتی محسوس نبود و حتی شاید بعداً تخریب هم شده باشد، به قراردادیان سپرد.

علاوتاً آقای جان ساپکو سرمفتش اداره سیگار در گزارش دیگر از یک معامله بزرگ ۴۸۶ میلیون دالری جهت خریداری هلیکوپترها متذکر می شود. گفتنیست که در سال ۲۰۰۸م ناتو بیست بال هلیکوپترهای مستعمل ساخت کشور ایتالیا را به قیمت ۴۸۶ میلیون دالر خریداری کرده بود، بعداً معلوم شد که طیارات یادشده به هوای خاک الود افغانستان سازش نداشته، نمی توانست مورد استفاده قرار گیرد. خلاصه کلام که ۱۶ باب هلیکوپتر مذکور تخریب گردید و بقایا آن جمعاً به ارزش مبلغ ۳۲ هزار دالر بالای یک قراردادی افغانی که هر پوند وزن آن را به شش سنت به فروش رسانیده، هم شامل مبالغ حیف و میل شده می باشد.

به هر صورت، زمانیکه بنده از سال ۲۰۱۲م الی ۲۰۱۴م مسؤولیت سفارت کبرای افغانستان را در کشور ایتالیا به عهده داشتم، چندین بار با مقامات دیصلاح ایتالیوی تماس گرفتم، ملاقات ها را انجام نمودم، دو مرتبه دو وزیر دفاع را که در دو حکومت ایفای وظیفه می نمودند، توأم با آتشه نظامی سفارت افغانی، ملاقات نموده و مشکل هلیکوپترهای نظامی فوق الذکر را با آنها مطرح نمودم به جانب مقابل توضیحات لازم داده و گفته شد، باوجودی که به این هلیکوپترها در جهت مقابله با تروریست ها ضرورت میبرم محسوس است، اما در اوضاع جوی افغانستان قابل استفاده نمی باشد. برای افغانستان که مسأله اساسی تقویه قوای هوایی آنست، مشکل بزرگی را به وجود آورده است. همچنان برای صنعت ایتالیا که این طیارات ویتترین آن در افغانستان می باشد، تصویر خیلی ها خراب را ارائه کرده است. آن ها وعده دادند تا در جهت حل مشکل دست به کار شوند و تا حدودی هم در زمینه به مساعی لازم پرداخته اند، اما چون طیارات متذکره با گرد و غبار فضای کشور ما عیار نبود، مکرراً عوارض پیدا کرده و پرزه جات آن به مقصد ترمیم و رفع عوارض تخنیکی به مشکل به دست می آمد. تا بالاخره قسمت زیاد شان طوری که تذکر رفت، تخریب گردید. ضمناً با مقامات مسؤول در کابل نیز تماس گرفته شد که در مقابل گوشزد نمودند که این موضوع مستقیماً با ایالات متحده آمریکا و ایتالیا ارتباط دارد و حکومت آمریکا در زمینه تفتیش و بررسی های لازم را آغاز کرده و موضوع متذکره تحت تفتیش مقامات امریکایی قرار دارد.

در این مقاله صرف سه مثال از موارد متعددی که در گزارشات اداره سیگار ذکر شده، در این نوشته کوتاه آورده شده که همه نشان دهنده آن است که چه گونه پول های که به نام مساعدت و کمک توسط دونه ها داده می شد، یک بخش زیاد آن توسط خود شان حیف و میل گردیده است. مطابق گزارشات متذکره یک حصه آن توسط حکومت افغانستان تحت عناوین مختلف مثلاً اردو، پولیس و مکاتب خیالی ضایع شده به هدر رفته است. اما بخش بزرگ آن از طریق خود دونه ها حیف و میل گردیده است. این موضوع تنها در افغانستان اتفاق نیفتاده است بلکه در کشورهای دیگر مثلاً: هایتی و عراق نیز همین قسم حیف و میل شده است. هایتی کشوری با هشت میلیون نفوس با وجود بیلیون ها دالر کمک های جامعه بین المللی هنوز هم فقیرترین کشور قاره آمریکا بوده و بدترین حکومتداری در این کشور حایز است. تنها بعد از وقوع زلزله ۲۰۱۰م که باعث تخریب و ویرانی ها مخصوصاً قسمتی زیادی از شهر پورت پرنس مرکز آن کشور تخریب گردید و جامعه جهانی مبلغ ده بیلیون دالر را جهت کمک های بشری و بازسازی آن کشور تعهد نمودند. اما متأسفانه باوجود این کمک های وافر، مؤثریت آن در مقایسه با میزان کمک ها نهایت ناچیز بود. آقای ستینفوس نماینده سازمان کشورهای آمریکا در هایتی در کتاب خیلی انتقادی خویش به نام (ناکامی کمک های بین المللی در هایتی)، پیرامون این کمک ها می نویسد:

علت عمده ناکامی جامعه جهانی در مساعدت به هایتی، تقسیم پول بین انجوهای غیر مسلکی و استفاده جو و بازگشت دوباره قسمت زیاد پولها مساعدت شده به کشورهای دونه بوده است.

همچنان کمک های بین المللی که به کشورهای فقیر افریقای چندان مؤثریت نداشته و تعداد زیاد اشخاص دخیل و آگاه خواستار بازنگری میکانیزم کمک های جهانی به کشورهای فقیر گردیده اند.

سازمان معتبر آکسفام در یکی از راپورهای خویش اظهار داشته که یک مقدار زیاد یعنی در حدود چهل فیصد مساعدت های بین المللی به افغانستان تحت عناوین معاش، کمیشن و دیگر موارد مجدداً به کشورهای کمک کننده (دونه) انتقال یافته است. آقای جان ساپکو سرمفتش خاص امریکایی از تشکیلات عظیم مدیریت این کمک ها در کابل و واشنگتن شکایت نموده می گوید که سی فیصد کمک ها جهت پیشبرد کارهای اداری و امنیتی این ادارات Superstructure به مصرف رسیده است.

آقای ساپکو طی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی الجزیره دلایل حیف و میل این کمک ها را عدم نظارت دقیق و فنی از همه پروژه های ساختمانی و حمایتی و تطبیق آن و تبدیل و تغییر مقامات مسؤول امریکایی در هر شش ماه از مواردی است که کار بررسی و تفتیش امور را مشکل ساخته اما با وجود آنهم، اداره سیگار توانسته است بسیاری از دوسیه ها را در حالت تفتیش و بررسی قرار دهد تا سارقین پول و مالیه دهندگان امریکایی دستیاب شوند. موصوف می افزاید که یک قسمت کم موضوعات تقلب و فریبکاری را تشکیل می دهد و قسمت زیاد به حذر رفتن این پول، مدیریت ناقص و ضعیف بوده است.

باید یادآور شد که در سال ۲۰۰۱ زمان سقوط حاکمیت طالبان، افغانستان در حالت نهایت بدی قرار داشت. قسمت هایی از کابل که در جنگ های داخلی قبلی ویران و به خرابه تبدیل شده بود و به شهر ارواح بیشتر شباهت داشت، اردو و پولیس و یک نظام منظم حکومتی وجود نداشت. زنان یا نصف از مردم کشور به صورت اجباری در خانه های خود محبوس بودند. از لحاظ احصائیه و احصائیه شاگردان مکاتب ده فیصد حصه تعداد فعلی بود. خدمات صحی برای نود فیصد مردم وجود نداشت. خزانه دولت تهی بود اما همین کمک ها سبب شد تا در کشور تحرکی محسوس شود. مگر با وجود ادامه جنگ اعلام ناشده همسایه شرقی به خصوص مداخلات و اعمال تخریب کارانه تروریستی، به کشور چهره دیگر بخشید. اما مشکل عمده و اساسی این بود که از کمک ها و مساعدت های بی پیشینه به صورت مؤثر و درست استفاده صورت نگرفت. بنابر همین علت یک اقلیت کوچک از آن استفاده اعظمی نمودند و اکثریت قاطع مردم همچنان کماکان در حالت فقر، بیچارگی و قبول مشکلات به زندگی فلاکت بار خود ادامه می دهند.

پایان